

مقدمه

خط و نوشتار از سرآغاز اسلام جزو ضروریات هرروزه زندگی دینی و اجتماعی مسلمین بوده و خداوند نیز در چندین آیه از قرآن هم بر این موضوع تأکید صریح شده است. پیامبر(ص) با عمل به فرمان الهی و درک اهمیت موضوع کسانی را به کار تعلیم عیسی بن مریم و ایشیسی بن مریم و گروهی از صحابه امین رسول (ص) نیز آستین برزده و کلمات وحی را مکتوب کردند. بدیهی است که این عاملان ک ک های گفته اند. همین گفته

گرفت و فنون خوشنویسی پدید آمد، سرلوحه امور ویژه در امر آموزش، قرار گرفت و در همه

اسلام پراکنده شد و از جمله به خوشنویسان ایران رسید. در این سرزمین که دست کم از سده چهارم/دهم خاستگاه کاتبانی کاردان بود، از نیمه سده هفتم/سیزدهم نظامی منسجم در پرورش و آموزش هنرمندان و صنعتگران پا گرفت و در خوشنویسی نیز، که هنر پرکاربرد همه

تذکره‌های احوال خوشنویسان پدید آمد که تا امروز همچنان مورد رجوع اهل خط و تحقیق اند. تمامی این متن

با خوشنویسی با ذکر شماری از احادیث منتسب به معصومین(ع) و اقوال مشاهیر دانش و حکمت یا جملات قصار رایج در میان و نسل به نسل روایت شده‌اند. این احادیث و اقوال

امروز هم کم‌وبیش در بین خوشنویسان بازگو و گاهی نوشته و نادرستی انتساب آنها به گویندگانشان، اعم از معصومین یا غیر

ایشان، نیندیشیده و مطالعه‌ای مستند در این زمینه انجام نگرفته است. لزوم این توجه آن‌گاه بیشتر می‌شود که بدانیم سخنی واحد های متفاوت به کسانی مختلف نسبت داده

که در منابع اصیل شکلی دیگرگون از آن سخن روایت شده است. نگارنده در پژوهش حاضر کوشیده است پس از نگاهی گذرا به چگونگی شکل‌گیری و رواج کتابت در طلوعه دوران اسلامی و ورود پیشوایان دین به این عرصه، با مطالعه اقوال و جملات قصار در رسالات خوشنویسان ایرانی و مراجعه به منابع معتبر حدیث شیعی، میزان اعتبار روایات مندرج در این رسالات را بسنجد و در صورت امکان اصل احادیث یا نمونه مشع های خوشنویسان قیاس کند. پس از آن

هم برخی سخنان پراکنده منسوب به اندیشمندان را در رسالات

مختلف با یکدیگر تطبیق دهد.

در مسیر این تحقیق چند پرسش اساسی در نظر بوده است: نخست این که رویکرد قرآن در موضوع نوشتن چه بوده، در چه آیاتی رخ نموده، و در این آیات بر چه وجوهی از خط و کتابت تأکید شده است؟ دیگر این که مواجهه نخستین پیشوایان اسلام، محمد(ص) و علی(ع)، با مسئله خط و نوشتار چگونه بوده و هر یک به چه میزان بدان ورود کرده‌اند؟ سوم این که آموزه‌های ایشان چه تأثیری بر کاتبان دوره‌های بعد نهاد؟ چهارم این که خوشنویسان ایران با چه انگیزه های معصومین(ع)

اند؟ پنجم این که تفاوت و شباهت روایت هر رساله با رساله دیگر چیست و تا چه اندازه مبتنی بر روایات منابع حدیث است؟ ششم این که سایر جملات پراکنده قصار در این باب کدام اند و چقدر با یکدیگر متفاوت یا همسان‌اند؟ گفتمی این که جوی نگارنده در متون حدیث نه اصل منابع، بلکه

جامع‌الاحادیث نور از مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی بوده است. همچنین مبنای مطالعه روایات خوشنویسان الخط عبدالله صیرفی نهاده و روایات رسالات دیگر را با آن تطبیق داده است، چرا که رساله یادشده کهن‌ترین و کامل‌ترین رساله خوشنویسی و مرجع رسالات دیگر بوده است.

منزلت کتابت در قرآن و جایگاه آن نزد پیامبر(ص) و علی(ع)

اسلام دین نوشتن است و نوشتن همزاد اسلام است. ارمغان این دین «کتاب» است که خداوند به

فرستاده‌های خود «نخوانده» تفسیر کرده‌اند؛ در جایی دیگر نیز

به صراحت او را «ناتوان از خواندن و نوشتن» خطاب کرده است. کتابی که در نخستین کلماتش پیامبر(ص) را به «خواندن»³ دانند. تأکید

(68)

یکی از نخستین آیات وحی است که با این کلمات آغاز می‌شود: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْزُرُونَ». بنا بر دو آیه دیگر (سوره ق (50)، آیات 17-18) که فرشته بر (ع) نظر انداخته

کردار و پندار او را ثبت می‌کنند⁴. آن که بر شانه راست است کردار نیک را می‌نویسد و آن که بر شانه چپ، کردار ناپسند و پلید را. در روز جزا، آنان همه کردار انسان را در نامه اعمال او برای داوری بررسی نهایی به دستش خواهند داد⁵. از منظر این آیات و

«...»²¹ را به پیامبر(ص) منسوب می‌کند، اما مایل
 (1372: 15، پانویس 20) آن را حدیثی «موضوع» دانسته
 دانیم که احادیث موضوع به دروغ به معصومین نسبت داده
 (1411 : 1 398-400).²²

صیرفی (همان) یک یگر ی سی پُر کر اط
 را از زبان امام علی(ع) چنین نقل می‌کند: «عَیْکَ مَبْحُوسٌ لَّ...
 إِلَهَ مِنْ هَمَلِ حِ لَزَزَقِ»²³. این حدیث که، در کنار سخن پیش
 () تری مزل ن یس
 فقط در همه رسالات و دیباچه مرم مش

فارسی، بلکه در برخی منابع خطاطی و آداب دبیری مؤلفان
 و ترک نیز از زبان امام علی(ع) نقل شده که از آن جمله
 است کتاب مشهور «...»²⁴ (1963: 3
 (1418-1355/ 821-756) (25)

مناقب هنروران(1369: 17-18)

(1599-1541/ 1008-948) م. نکته اینجاست که در هیچ‌یک
 از منابع معتبر حدیث نشانی از این سخن و انتسابش به علی (ع)
 ی ک خش ی ی ی پر ()
 (318 73) : «بِئْتُوا لِرَزْقِ الْ...
 ...»²⁵ که تنها یک
 بار در دیباچه مرقعی گورکانی به قلم میرعلی الحسینی الکاتب
 (2001: 40) با قید «حدیث صحیح نبوی» به این صورت آمده
 : «...»²⁶ . فَاِنَّهُ مِنْ هَمَلِ حِ لَزَزَقِ» .

«...»²⁷ . نُّ لِفَقِيْرٍ مَالٌ وَلِلذِي مَالٌ وَلِلْحَكِيْمِ مَالٌ
 سخن مشهور دیگری است که صیرفی در اینجا با قید «گفته
 اش این دوبیتی عربی رایج را با همین مضمون به
 علی (ع) منسوب کرده است:

تَعْمَلُ مَقِيْلًا . . . يَا ذَلَّتْ اَدْبُ . . . و مَالٌ . . . اِلَّا وَنَةُ لِهَاتِبِ
 [] فَكُنْ . . . وَ اِنْ كُنْتُ مُجْتَابًا . . . فَكُنْ . . . لَكَ سَبَبٌ²⁶
 قاضی میراحمد منشی در گلستان هنر(1366: 11) این سخن را
 با عبارت «و جمعی دیگر گفته‌اند» نقل کرده و فقط به جای
 «للحکیم» «للحاکم» آورده، شمس‌الدین محمد وصفی (2001:
 32) در دیباچه مرقع شاه اسماعیل دوم(943-984/ 1537-
 1577 م) آن را با ذکر «و نیز واقع است که» و «للأکابر» به جای
 «للحکیم» نوشته، و محمد بخاری(1372: 362) »

بعض الحکما» شمرده و «للملوک» را جایگزین «للحکیم» کرده
 ی ی ی ی
 () ()
 حدیث نشانی از آن به دست نمی‌آید.²⁸

کم‌نقص برای خطاطان پس از خود فراهم آورده است. تردید
 نباید کرد که صیرفی در تألیف و تدوین مطالب رساله
 رسالات خطاطان یا خط‌شناسان پیش از خود نظر داشته است.
 در این میان، اگر از آثار نویسندگان ایرانی سده ششم، همچون
 مغبة اول ل . . . الدین راوندی و دستور دبیری اثر
 عبدالخالق میهنی — هر دو در آداب دبیری و منشیگری — و نیز
 مقله — که به هر حال
 صحت انتسابش به او محل تردید است — بگذریم، ویرالقی‌علم
 لعتبة ثری ی ی ی () 1023/ 414

توان سرمشق مشخصی برای رساله صیرفی در نظر گرفت،
 چرا که او حتی اگر ایرانی نباشد، مدتی در شیراز اقامت گزیده و
 شاید در همین شهر درگذشته باشد.¹⁶ ی ی ی ی
 س ک مری کَر بیشتر بر ی ی ی هایش

کهن را نام می‌برد
 قلم مرغوب کتابت و روش
 اء بش نر مرک تر
 چشم گیری از
 مش یر عر ع عبر ع
 ط () ک ع س ی ی ط
 جالینوس و جعفر بن یحیی برمکی، در باب آداب و اصول خط، به
 شیوه اهل حدیث و با ذکر روایان هر یک نقل می‌کند.¹⁷

ک س ی ی عر لس یر
 برگر نی ی ی ک
 بین خطاطان رساله‌نویس ایرانی رایج بوده، برگردانده است؛ از
 جمله این ک عکس ی
 اش و اصول خوشنویسی را در ادامه آن آورده است.

در این فصل او ذیل عنوان «در بیان فضیلت این علم» (1372:
 15) ابتدا نخستین کاتب خط عربی را آدم (ع) و اکتشاف این
 خط را به زمان حضرت اسماعیل (ع) یا ادريس (ع) منتسب و
 سپس حدیثی بدین مضمون از پیامبر اسلام (ع) نقل می‌کند:
 «مَنْ لَمَسَ رِجْلَيْ سَمَاءِ بْنِ مَرْثَدَةَ الرَّحْمَنِ الْجَدِيِّ مَدَّ لَنَا نَفْسًا» . این حدیث
 که صورت‌هایی اندک

در رسالات خوشنویسان ایران نقل شده¹⁸، با این مضمون در
 کتاب بحار الانوار¹⁹ (1037-1110/ 1628-
 1698) () ک () 712/ 93
 : «مَنْ كَتَبَ بِسَمَاءِ بْنِ مَرْثَدَةَ الرَّحْمَنِ
 ()

لَرَجِيْ حَفَّ وَوَدَّعَتِ يَ اللّٰهَ فَاللّٰهُ لَهُ»²⁰.
 در ادامه صیرفی (همان‌جا) با عبارت «و دیگر فرمود» جمله

عملی را به کاتبان زمانه‌اش گوشزد کرده است.

4. ی ی پیش ی نی
منابع اولیه و متقدم همچون کتب اربعه، بلکه در منابع ثانوی
های میانی و متأخر دوران اسلامی گرد آورده .
5. خوشنویسان ایرانی شماری از احادیث معصومین(ع) را،
ط بر ح بر ی بیشتر بر س ی
های پیش‌تر در صنف خودشان سینه به سینه روایت
شده، در رسالات آموزشی و تذکره‌ها و دیباچه
با جملات متداول یا اقوال منسوب به حکیمان مشهور در هم
آمیخته .
6. پیداست که این جملات را نه با هدف حفاظت یا بر اساس
اء ک ی بر س منتشر ی ی
بر درستی گفته خود بازگو کرده .

رسد نقل این جملات در رسالات خوشنویسان ایران
بیشتر نمایانگر سنتی استوار و دامنه‌دار در حفظ و انتقال میراث
هزارساله خوشنویسی اسلامی است تا ذکر احادیث معتبر و مستند.
بدین جهت شاید بهتر آن باشد که خوشنویسان ایران را هنرمندانی
خبره در یادگیری و به‌کارگیری ی طری نرنه
در نظر گرفت که دل با خدا و دست به کار داشته ک
کش مری ک نظر پیش .

پی‌نوشت‌ها

- 1 «:يَنْ يَتَّبِعُونَ لَوْ رُوِيَ لَلَّيَّ الْأَمِّيَّ»؛ «همانان که از این
فرستاده و پیامبر درس‌نخوانده پیروی می‌کنند» (سوره اعراف [7]
آیه 157).
- 2 «...بِقَاتِلَتَهُ مِنْ قَبْلِهِ مِنْ تَابٍ وَوَلَاتٍ مُبِيَّ هَيْنٍ . إِذَا لَقَّابَ
... لُونٍ»؛ «و تو از این پیش نه توانستی کتابی خواند و نه خطی
نگاشت که در آن صورت منکران قرآن در نبوت شک و ریسی
کردند» (سوره عنکبوت [29]، آیه 48).
- 3 «: بِسْمِ يَ . لَذِي لَقَى . لَقَى الْإِنْسَانَ مِنْ عُقْبَى فِرْعَوْنَ وَ نَبَا .
... لَذِي عَابَ الْقَدَمَ»؛ «بخوان به نام پروردگارت که آفریننده
عالم است. آن خدایی که آدمی را از خون بسته بیافرید. بخوان [و]
بدان که] پروردگارت تو کریم‌ترین کریمان عالم است. آن خدایی که
» ([96]، آیات 1-4).
- 4 إِيْتَلَفَ . لَمْ يَلْفَى أَنْ عَنِ الْيَمِّ نَ وَعَنْ لَ . لَالِي يَدِي . مَ أَيْفَ . مَن قَوْلُ
... قَبِيَّ يَدِي .
- 5 س (69)، آیات 18-25.
- 6 س ی ی م پر ک بر ک ی
اشارات پراکنده منابع مکتوب، به تفصیل این موضوع پرداخته است؛
نک: (Whelan, 1997: 1-14).

دیگر نیز در رسالات فارسی خوشنویسی دست به دست شده
که گریزگر تردید بر آن ی ی فایده نیست.
از مشهورترین جملات عبارت «... هِنَهُ رُوحُهُ . هَرْتَبَالَهُ
لِ سِائِيَّة⁴¹» است که صیرفی (1372: 16)
حکیم دانسته، حال آن‌که ی ی ی ی (: 261)
از زبان اقلیدس بیانش کرده و شمس‌الدین محمد املی (1372:
35) قول بعضی حکمای پیش خوانده است. جمله دیگر «لَا كَلَامَ لِحَسَنَ
مَ لِي دَلْقُوبٍ وَ لَ . لِحَسَنَ نَزَهُ لَعِي وَ ن⁴²» است که همه، از
جمله صیرفی(1372: 15)، قاضی میراحمد منشی (1366: 11)
(1381: 318)، آن را بدون ذکر راوی نقل کرده .
«:عَمُوا أَوْلَادِكُمْ بِالْكَتْبِ قَلْبَهُ مِنْ هَمِّ مَ لِلْهَوَكِ وَ لِسَلَايِ ن⁴³»
هم بدون ذکر نام راوی، یک بار در دیباچه مرقع منسوب به
امیرعلی شیر نوایی (844-906/ 1440-1501)
مروارید (2001: 23) آمده و بار دیگر در رساله تعلیم الخطوط
(1381: 318).

احادیثی که در رسالات خوشنویسی نیامده است

وجو در منابع حدیث چند سخن دیگر را در فضیلت
خط و کتابت از قول پیامبر(ص) می‌توان یافت که گویا از نظر
رساله ایران دور مانده‌اند. یکی از آنها حدیث
دقیق و جزئی‌نگری است که شهید ثانی در منیه‌المیرید⁴⁴ (350)
س ی ک ی نش س ک ایش
از ظرایف فن خطاطی دارد: «لِقِ لَادَوَاةَ وَ حَزَفِ لِقَدَمَ وَ لِبِ لِبَاءِ وَ
... لَسْرِيَّ وَ لِنَاعِ وَ لِهَيْمَ وَ حَسَنَ لِدَاةَ وَ مَدَّ لِرَحْمَ وَ . وَ دِلَّ لِرَيْمَ وَ
... كَ عَى أَفْكَ الْسُرْفِيَّةَ أَكْرَلَك⁴⁵». دو حدیث دیگر نیز
ی بر () یک س ه الحسن دیلمی
(172 1) و دیگری در ... مال⁴⁷ علاء‌الدین علی متقی هندی
(28951) توان یافت، بدین مضمون: «... م رَاهُ
لِقَطْرِ . لَامَ حَلِيرُ وَ بَتَلَهُ لَنْةَ» و «مَن كَتَبَ عَنِّي غِيَا أَوْ حِيَا
... لَهْ أَوْ . لَمْ يَلْقَى لَهْ كَ لَ لَغِيَا وَ لَاحِيَا .».

بازنگری و برآیند

از آنچه گفتیم چند نکته را بدین قرار می‌توان دریافت:

1. ف ر ل س ی ک
ها شمرده و در چندین آیه بدان پرداخته و حتی بر ضرورت
کاربرد آن در حیات اجتماعی و اقتصادی مردم تأکید کرده است.
2. پیامبر(ص) که فردی مکتب‌نדיده بوده، به اراده الهی اهمیت
نوشتار را دریافته و کسانی از صحابه نزدیک را به کار کتابت
ک گ ر س ک س نظ
ایش لفظ ی کر س .
3. علی(ع) که خود در کار کتابت آزموده بوده، برخی نکات فنی و

۷ برای آگاهی و منابع بیشتر در این زمینه، نک: کاتبان وحی
(29:1369) <http://www.wikifeqh.ir/>

درنخستین فصل کتابش نام بیست‌وهفت تن از کاتبان وحی را،
به گفتهٔ خودش «بنا بر کتب احادیث و تواریخ»، این چنین آورده

لس : ک ر ی ع م ر ع ع ع ع ع
ط ی ر ع ع م ر ب ه ر س ی
ع ع ع ن ظ ب ج ک ی ن
ن ن ت ر ی ن ن ی ر ن ع ی ی ی
ی ع ع س ر ع م ر ع ع ع
س ع ع ع ع س

فاطمه، زید بن ثابت، معاویه بن ابی سفیان.

8 « ل ی ه ی ف ک ت ب و و
ک ک ک ک ک ک ک ک

ک
ک

ک
ک

ک
ک

ک
ک

ی
ق ر ی س ی ک ی

و نوشته در میان باشد، و بایست نویسندهٔ درست کاری معامله میان
شما را بنویسد، و نباید کاتب از نوشتن خودداری کند، که خدا به

وی نوشتن آموخته پس باید بنویسد، و مدیون باید مطالب را املاء
ک تر س م ر ن ی ز ک گ ر ی

س ی ی (ی ر) س ی ی ع
و درستی املا کند و دو تن از مردان خود (از مسلمانان عادل) گواه

آرید، و اگر دو مرد نیابید یک مرد و دو زن، از هر که (به عدالت)
قبول دارید گواه بگیرید تا اگر یک نفر از آن دو زن فراموش کند،

دیگری به خاطرش آورد، و هر گاه شهود را (به محکمه) بخوانند
ک ک ی ی ی ی س ک ی

چه معامله کوچک و چه بزرگ باشد. این عادلانه

محکم‌تر برای شهادت و نزدیک‌تر به این ک ی

پیش نیاید (که موجب نزاع شود) مگر آن که معامله نقد حاضر باشد
که دست به دست میان شما برود، در این صورت باکی نیست که

نویسید، و گواه گیرید هر گاه معامله کنید، و نبایست به نویسنده
(اجر مانند)، و اگر چنین کنید نافرمانی

کرده‌اید. و از خدا بترسید و خداوند هم به شما تعلیم مصالح امور

کند و خدا به همه چیز داناست.»

9 برای آگاهی بیشتر دربارهٔ زمینه‌های ظهور و ویژگی‌ها این
خطوط اولیه، نک: کاووسی، 1392: 6-7.

10 برای آشنایی بیشتر با ساز و کار آموزش خوشنویسی در تمدن
اسلامی، نک: کاووسی، 1392: 149-164.

11 برای آگاهی بیشتر دربارهٔ اوج و افول نهضت ترجمه در سده
نخستین دوران اسلامی، نک: جان 1379: 86-142.

12 محقق و ریحان و ثلث و نسخ و توقیع و رقاع.

13 (1372: 282-283) در دیباچهٔ مرقعش چنین حکایت
کرده که برخی از نگارگران: «به رأی العین مشاهده نموده‌اند که کتبه

طالب»، او سپس حکایتی منظوم نقل می‌کند که
گروهی از نقاشان ختایی صفحه

() اند و نظیرش را خواسته ()

دست گرفته و بهترش را برایشان ترسیم کرده است.

14 نک: « (9:1389).

15 ء ء ء ء ء ء ء سراج شیرازی و آداب‌المشق

16 برای آگاهی بیشتر از احوال این اندیشمند مسلمان، نک:
ذکاوتی فراگزولو، 1372: 410-416.

17 بر ک س ی ک: ی ی ی
: 241-268. ترجمهٔ رسالهٔ او با این مشخصات منتشر شده

لس : ی ی ی ی (س) 1379. « ای در آداب کتابت
ی ی ی ی « تر ع ی : نامهٔ بهارستان

1.

18 : « ک ی

« (1386: 44) «

کتاب بسم لر لر ی س ل ی ی ر س «
(میرعلی هروی، 1372: 89) « ک الله لارح من لارحیم

« (1372: 106).

۱۹ بحارالانوار بزرگترین و مفصل‌ترین منبع حدیث شیعه است که
در ۱۱۰ جلد چاپ رسیده.

20 « م ر ک ن س ل ر ل ر ی ب ر ز ن

زیبا بنویسد، خداوند بر او بخشش آورد». این حدیث در کتاب
س س ث ر (س 1320 / 1902م) نیز

یک بار (ج 4 371) به نقل از زید بن ثابت (درگذشته 45 / 665)
یک بار (ج 8 433-434) به نقل از انس بن مالک روایت شده است.

21 این جمله را محمد بخاری (فعال در اوایل سدهٔ یازدهم/هفدهم) نیز
عواهده عطوط (360:1372) مرا اع «

علیه‌السلام» نقل کرده، اما مصطفی س ت ر ک

عبدالله مروارید (2001). *دیباجه مرقع* [منسوب به امیر علی شیر نوایی]
:

Wheeler M. Thackston, *ibid*.

عقیلی رستم‌داری، حسین (1372). «خط و مرکب». در: نجیب مایل
هروی

(1372). «اصول و قواعد خطوط سته». در: نجیب

مایل هروی

قاضی میراحمد منشی قمی (1366). *گلستان هنر*، به تصحیح و
اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: منوچهری.

الدین محمد (1372). «دیباجه». در: نجیب مایل

هروی

لقش، ع (1963). *۱۱۱ قاره*:

ت. ت. الم. قوه العامه للتألیف والتر. مة و الباعة وال ن.ر.

کاوسی، ولی (1392). «آموزش»، در: خوشنویسی

کاوسی و دیگران، تهران: کتاب مرجع.

- «پیشینه»، در: خوشنویسی

مایل هروی، نجیب (1372). *بنیاد پژوهش‌های آستان قدس*

رضوی.

مجنون رفیعی هروی (1372). «سوادالخط»، در: نجیب مایل هروی

(1372). «فوائدالخطوط»، در: نجیب مایل هروی

(1372). «قوانینالخطوط»، در: نجیب مایل هروی

(1369). *مناقب هنروران*، ترجمه توفیق سبحانی،

میرعلی الحسینی الکاتب (2001). «دیباجه مرقعی گورکانی» :

Wheeler M. Thackston, *ibid*.

میرعلی هروی (1372). «مدادالخطوط»، در: نجیب مایل هروی

منابع لاتین

Whelan, Estelle (1997). "Forgotten Witness: Evidence for the Early Codification of the Qur' n," *Journal of the American Oriental Society* 118, no. 1.

ش [بر ک ی
الوسایل (ج 4 371) عین این حدیث به نقل از شهید ثانی

46 ارشاد القلوب کتابی عربی است اثر حسین بن ابی الحسین

ی ع ق ر ه ش ت ر إعظ ق ر س
فضایل اهل بیت پیامبر(ص)

47 کنز العمال کتابی است روایی در علم رجال اثر علاء الدین علی
س م ر م ر (975 و 977).

از آنجا که منابع حدیث در نرم الاحادیث نور(2)
شده، مشخصات تک تک آنها در این فهرست نیامده است.

منابع فارسی

ی () «رسالة فی علم الكتابة» :
توحیدی. به کوشش ابراهیم کیلانی: دمشق.

(1379). «نهضت ترجمه، نتایج و پی

». تاریخ اسلام 4.

(1381). «رسالة تعلیم الخطوط».

کوشش احسان نکر : نامه بهارستان پاییز - زمستان،
6.

»
برگرفته از کتاب منشآت سلیمانی
(1389). به کوشش رسول جعفریان. در: نامه بهارستان
16.

(1372). «دیباجه»، در: نجیب مایل

. کتاب آرایه در تمدن اسلامی. مشهد: بنیاد پژوهش

ذکاوتی قراگزلو، علی (1372). « دائرةالمعارف
بزرگ اسلامی. 5. زیر نظر سیدمحمدکاظم موسوی بجنوردی.

تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

راوندی، محمد بن سلیمان (1386). *راحة الصدور و آیه السرور* در
تاریخ آل سلجوق. تصحیح محمد اقبال. تهران: اساطیر.

سراج شیرازی، یعقوب بن حسن (1376). *تحفةالمحبین*: در آیین
خوشنویسی و لطائف معنوی آن. به کوشش کرامت رعناحسینی و
ایرج افشار. تهران: نقطه.

الدین محمد آملی (1372). «فن خط»، در: نجیب مایل

الدین محمد وصفی (2001). «دیباجه مرقع شاه اسماعیل» :

Wheeler M. Thackston, *Album Prefaces and Other Documents on the History of Calligraphers and Painters*,
Leiden: Brill.

صیرفی، عبدالله (1372). *آداب الخط*، در: نجیب مایل هروی.

Documentary enquiry on calligraphic traditions and narrations in Persian calligraphers treatises

Valiallah Kavusi¹

PhD Candidate in Islamic Art Studies, College of Fine Arts, University of Tehran

Received 31 Dec 2018 ,Accepted, 25 Feb 2019.

The script and writing have been among the necessities of daily religious and social life of Muslims and in many verses of the Quran has been explicitly emphasized on them. The Prophet, Muhammad, following the Divine command and understanding the importance of the subject, appointed some people to teach and practice writing and of necessity, self-guided them in understanding the theological virtue, or even the way they took over. Ali, Prophet's son in law, and a group of trusty companions of Prophet began to write the words of revelation. It is clear that these practitioners have sometimes described some tips about their work. These sayings were gathered in books of Hadith collection by theologians and traditionalists (Muhaddith) and when the work of scribes flourished in the government affairs and among the people of knowledge, and calligraphy techniques emerged, they became popular among calligrapher, especially in Calligraphy Training, and were spread everywhere in the Islamic world until reached to the Iranian calligraphers. In this land, the origin of competent scribes at least from the fourth / tenth century, was established a coherent system of training the artists and artisans from the mid-seventh / thirteenth century and in calligraphy, that was widely used everywhere and every time, was compiled educational treatises and later biographies of calligraphers that have yet been the reference for scholars until now. All the texts related to calligraphy are begun with mentioning some of the sayings of the infallible wisdom and the words of celebrities or aphorisms common among experts and have been narrated from generation to generation. These traditions and sayings still recount, more or less, between calligraphers and sometimes even invoked is written, but apparently no one right or wrong assignment of the speakers, whether or not their infallible, pondered

and documented in this study have not been done. The necessary of the attention when became more that know the same words have attributed at different times to different people, while in the original sources have been narrated different narrative of them. After a glance at the formation and spread of writing in the early Islamic period and the entre of religious leaders in this field, in this article has been tried to evaluate the authenticity of the traditions in these treaties through studying the aphorisms and sayings in Persian calligraphy treatises, and referring to reliable sources of Shi'a hadith, and, if possible, extracted the original traditions or samples of them from the original sources and compare them with calligraphers sayings; then has adapted some scattered remarks attributed to scholars in various treatises. It should be noted that advanced search supplier for author to search in Hadith texts has not been the original resources, but has been the software of Jami al-Ahadith produced by Computer Research Center of Islamic Sciences. Also, the base source for study the narratives of calligraphers has been the treatise of Abdallah Sayrafi's Adab al-Khat, and, because of it is the oldest and most complete treatise on calligraphy, the narratives of other treatises adapted whit it.

Key words

Hadith, Tradition, Aphorism, Calligraphic treatises, Iranian Calligraphers, Hadith Sources

The initial idea of this article was formed at the sessions on "Theoretical foundations of Islamic art" by Professor Hassan Bulkhari in the fall of 2015.: Email: V.Kavoosi@Rch.ac.ir